

معلمی در کلاس

صدیقه باقری
دبیر دین و زندگی منطقه ۶ تهران
تصویرگر: میثم موسوی



اما ما معلمان چقدر آن را سرلوحة روش تدریس و نیز رفتار و رابطه خود با دانشآموزان قرار داده‌ایم؟ در مواردی از قبیل تلاش در انجام تکالیف اجباری و بهویژه اختیاری به صورت کامل و حتی بالاتر از سطح انتظار ما، کسب نمرات عالی در امتحانات شفاهی و کتبی، رعایت تمام موارد انصباطی یا آوردن عذرهای موجه یا حتی ناموجه آن‌ها در تأخیر در ورود به کلاس، کوتاهی در انجام تکالیف،

از پیشوایان ما بسیار نقل شده است که: «هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند.» همه ماین سخن آموزنده و زیبا را بارها شنیده‌ایم؛ سخنی که برای تمام زمان‌هاست و تأثیری بسیار ژرف در تربیت صحیح و مطلوب متربیان (اعم از فرزند و دانشآموز) دارد.



ترس دانشآموز از اینکه معلم صاحب خط را بشناسد و در رفتار بعدی خود با دانشآموز، نارضایتی خود را از نقد و نظر او نشان دهد. یا بی حوصله و بی انگیزه بودن برای دادن پاسخ روشن و کامل و مطلوب به سؤالات، با این توجیه که: «معلم هیچ وقت این نظرات را نمی خواند. پس خودمان را بیهوده خسته نکنیم» یا «بقیه بچهها، حرفهایی را که لازم است می گویند». بنابراین، به نوشتن جملاتی کوتاه در مورد سطح کیفی کلاس یا رضایت خود از آن بسته می کنند.

پس چاره و راه حل چیست؟ با تأسی به آیات قرآن و احادیث که بر خلاقیت و تجربه و استفاده از روش‌های متعدد و متنوع تأکید می کنند، بهتر است راهی دیگر را نیز بیاماییم و تجربه کنیم. راه نو و پیشنهادی ما، جایه‌جایی معلم و شاگرد است. آن‌ها معلم کلاس می‌شوند و ما دانشآموز آن‌ها. به این صورت که می‌توانیم از بین دانشآموزان داوطلب معلمی، با نظرخواهی از بقیه، یک یا دو نفر را انتخاب کنیم و بعد از تعیین تاریخ و همانگی با این معلمان تازه‌کار، در موعد مقرر، یک زنگ کامل مسئولیت اداره کلاس را به آن‌ها بسپاریم و خود ما همنشینی یکی از دانشآموزان ته کلاس شویم.

اگر دونفر انتخاب کردۀ‌ایم، می‌توانیم به همکاران جدید اختیار دهیم که یا دونفری در کل، ۶۰ دقیقه کلاس را به طور مشترک و با هم اداره کنند یا هر کدام به تنهایی ۳۰ دقیقه معلم کلاس شود.

فاایده‌های این روش عبارت‌اند از:

- وقته دانشآموز در موقعیت معلم قرار می‌گیرد، معمولاً انتظاری را که از معلم دارد، در گفتار و رفتار خود نشان می‌دهد.

- وقتی معلم در موقعیت دانشآموز در کلاس درس حضور دارد، متوجه می‌شود در چه مواردی و چه وقت کلاس برای دانشآموزان کسل کننده و ملال آور می‌شود.

- بهانه و وسیله‌ای دیگر برای ایجاد یک زنگ بانشاط برای دانشآموزان فراهم می‌شود.

- معلم، در مقام دانشآموزی که به کار معلم جدید نظاره می‌کند، نقاط قوت و ضعف کار خود

کسب نمره پایین در آزمون‌های کتبی و شفاهی، دانشآموز از مانتظار چه رفتارهایی را دارد؟ هنگام مواجهه با چنین بی‌نظمی‌ها و بی‌انضباطی‌هایی، بهترین و مؤثرترین شیوه برخورد چیست؟

آیا در این‌گونه موارد خودمان را جای دانشآموزان گذاشته‌ایم تا بدانیم چه واکنشی مفید و پسندیده است و چه برخوردی ناپسند و نامطلوب؟ چه واکنشی، بی‌آنکه آسیب روانی و عاطفی به دانشآموز وارد کند، در جبران کوتاهی و تقویت انگیزه و پیشرفت او تأثیر مطلوب دارد؟ چقدر هنگام تعیین تکلیف خود را جای دانشآموزان گذاشته‌ایم؟

بیاییم یک بار از زاویه‌ای دیگر به این سخن بتیریم و آن را در عمل نشان دهیم.

زمانی که ما دانشآموز بودیم، چه رفتارها و روش‌هایی را در تدریس معلم پذیرفت و مطلوب می‌دانستیم و کدام رفتارها و روش‌هایشان برایمان نامطلوب بود؟ آیا اکنون خود ما نیز آن‌گونه رفتار می‌کنیم؟ کدامیک از اعتراضات و اشکالات ما بجا و به حق و کدامیک نابجا و نادرست بود؟ آیا هنوز به خاطرمان مانده است که انتظار داشتیم معلم با ما چگونه برخورد کند؟ چه اشکالاتی در روش تدریس معلم یا آزمون‌های شفاهی و کتبی درس داشتیم؟ البته با تأملی عمیق و دقیق در خاطرات گذشته می‌توانیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

برای کسب آگاهی از خواسته‌ها و انتظارات دانشآموزان و نیز بازنگری در نحوه مدیریت و اداره کلاس (از لحظه آموزشی و تربیتی) و شناخت نقاط قوت و ضعف خود، نظرسنجی یا نیازسنجی از دانشآموزان در ابتدای سال تحصیلی یا پایان نیم‌سال اول روش مناسبی است. قطعاً بسیاری از همکاران و معلمان محترم بارها از این شیوه‌ها بهره‌برداران.

اما در بسیاری موارد مشاهده شده است، دانشآموزان در نظرسنجی پاسخ کامل و واضحی به سؤالات نمی‌دهند. دلایل این موضوع می‌تواند چنین باشد:

**زمانی که ما
دانشآموز بودیم،
چه رفتارها و
روش‌هایی را در
تدریس معلم
پذیرفت و مطلوب
می‌دانستیم و
کدام رفتارها و
روش‌هایشان
برایمان نامطلوب
بود؟ آیا اکنون
خود ما نیز آن‌گونه
رفتار می‌کنیم؟
کدامیک از
اعتراضات و
اشکالات ما به جا و
به حق و کدامیک
نابجا و نادرست بود**



حتی بر عکس، با رفتارهای سختگیرانه و خشن، سبب ایجاد فضایی سنگین بر کلاس و به دنبال آن بلند شدن صدای اعتراض دانش آموزان می شوند. البته در این موارد می توان از قبل چاره اندیشید و از بروز چنین مشکلاتی پیشگیری کرد؛ مثلاً این گونه که:

از جلسه قبل یا در همان جلسه، ولی قبل از ورود به کلاس، به معلم یا معلمان جدید نکات لازم درباره نحوه مدیریت کلاس و رفتار با دانش آموزان را تذکر دهیم و نیز توصیه کنیم کلاس را جدی بگیرند. به دانش آموزان دیگر هم متذکر شویم که «قضاؤت این معلمان را ما هم می پذیریم.»

همچنین بهتر است در انتای کلاس، گاهی باشیم، کل کلاس را از نظر بگذرانیم و با مکث روی برخی دانش آموزان سوءاستفاده کننده، باعث توجه و تغییر رویه آنها شویم؛ هر چند در نهایت مشکلاتی هر چند جزئی و محدود و موقت پیش می آید.

در پایان کلاس هم خوب است ابتدا بر حسب نحوه کلاس داری آنها، با بیان جملاتی مانند: «آفرین! بسیار عالی بود» و «خوب بود» و تشکر، کلاس را تحويل بگیریم. سپس از خلاقیت‌ها و ابتکارات آنها تعریف و نقاط قوت و ضعف‌شان در تجربه معلمی را یادآوری کنیم.

شاید بهتر باشد هر معلمی این تجربه را ولو برای یک بار امتحان کند. گرچه سخت است، ولی ارزش دارد. زیرا در کنار این سختی‌ها، آسانی‌های فراوانی است، چون غنی و کامل ترین کتاب زندگی انسان‌ها - قرآن - فرموده است:

«فَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»* إن آیات ۵ و ۶: همانا پس از سختی آسایشی است. پس از محنت و رنج آرامشی است.

را بهتر درک می‌کند و متوجه می‌شود که کدام قسمت از فعالیت او در کلاس را دانش آموزان می‌پسندند و کدام قسمت را نه.

- احساس مسئولیت دانش آموزان و اعتماد به نفس و خودبادی آنها تقویت می‌شود.

- زمینه‌ای برای مقایسه این کلاس‌ها با کلاسی که معلم اداره می‌کند ایجاد می‌شود.

- فرصتی ایجاد می‌شود تا دانش آموزان زحمات و صبوری معلم‌شان را قدر بدانند؛ بهویژه زمانی که دانش آموزان مسئله‌ساز، سکان اداره کلاس را به عهده بگیرند. هنگام اعتراض به بی‌انطباطی هم کلاسی‌ها، فرصتی مهیا می‌شود تا آنها در عمل بر ناپسندی رفتار خود، وقتی که در جای خود و در مقام دانش آموز هستند، و نیز به صبوری و سعۀ صدر معلم‌شان واقف شوند.

البته به عنوان معلمی که هر سال این روش را در کلاس‌های درس خود اجرا کرده است، اذعان می‌کنم که قطعاً این تجربه خالی از حاشیه نخواهد بود. به این صورت که:

- ممکن است گاهی برخی از معلمان امروز و شاگردان دیروز، از این فرصت سوءاستفاده کنند و برخوردهای نامناسبی با «معلم دیروز و شاگرد امروز» داشته باشند؛ برخی دانش آموزان چنین کلاسی را جدی نگیرند؛ با این توجیه که: معلمان آن ساعت، شاگردانی مثل خودشان هستند. پس می‌توانند شلوغ کنند. یا با معلمان جدید برخورد محترمانه و در شأن معلم نکنند. مثلاً آنها را نه با نام خانوادگی و پیشوند «خانم» یا «آقا»، بلکه با نامشان، صدا کنند. نسبت به اعتراضات و سوالات معلم واقعی واکنش منفی و ناپسند نشان بدهند. از زیر بار انجام تکالیف محوله توسط این شاگردان معلم شده شانه خالی کنند. برای این معلمان تعیین تکلیف کنند. به کار دیگری غیر از گوش کردن به درس پردازنند، مثلاً کتاب درس دیگری را باز کنند و تکلیف درس دیگر را انجام دهند. دو نفری با هم بازی کنند و... قابل ذکر است، گاهی این دانش آموزان معلم، با نرمی و ملایمت افراطی خود، زمینه‌های سوءاستفاده را فراهم می‌کنند، یا

